

لیلا غفاری\*

امیر مازیار\*\*

## شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر در المآثر و الآثار<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۰

### چکیده

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه مورخ پیشروی عصر ناصری است که در تألیفات متعدد خود، رویکردی نوین به تاریخ‌نگاری و توجهی خاص به تحقیق و تفحص در زمینهٔ ابنیهٔ باستانی و آثار تاریخی و هنری ایران داشته است. المآثر و الآثار که از متون مؤخر اوست، به مناسبت چهلمین سالگرد سلطنت ناصرالدین شاه در ۱۳۰۶ق منتشر شده و اعتمادالسلطنه در آن به شرح اخبار، رویدادهای اجتماعی و فرهنگی و احوال بزرگان طی این دوران پرداخته است. به زعم صاحب‌نظران، این کتاب از اصلی‌ترین منابع جهت شناخت و ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی و اطلاعات رجالی عصر ناصری است. پژوهش حاضر با راهبرد کیفی و به روش تفسیری-تاریخی به دنبال پاسخ به این پرسش است که شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر نزد اعتمادالسلطنه در این کتاب کدام‌اند. این پژوهش متن محور بوده و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. به منظور بررسی شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر در المآثر و الآثار، مصادیق مستتر در متن ذیل سه دسته‌بندی مفاهیم و اصطلاحات، رویکرد به آثار، و روش‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است. مفاهیم و اصطلاحات به کاررفته در کتاب در دو گروه بنیادی و تخصصی بررسی شده و در رویکرد به آثار، نحوهٔ مواجهه با بنا، شیوهٔ توصیف عمارات و ابنیه و نگاه اعتمادالسلطنه به اشیاء تاریخی و آثار باستانی ارزیابی گردیده است. روش‌شناسی اعتمادالسلطنه نیز از دو وجه ایجابی و سلبی مرور شده است؛ وجه ایجابی در توجه به مشاغل هنری و غیر هنری، ذکر رویدادهای تاریخی مربوط به هنرها، استخراج اطلاعات مرتبط با تاریخ هنر از ابنیه و تزئینات معماری و مقایسهٔ هنر مندان با یکدیگر نمود یافته و وجه سلبی مشتمل بر نکاتی است که اعتمادالسلطنه به آنها نپرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار در مقایسه با تألیفات متقدمش، در ثبت و ضبط اطلاعات تاریخی ابنیه و آثار باستانی و هنری ایران حساسیت بیشتری داشته و با نگاهی دقیق‌تر به رویدادهای مرتبط با رشته‌های مختلف هنری، معرفی هنر مندان و رسالات و آثار آنها پرداخته است. همچنین، آشنایی او با باستان‌شناسی و سکه‌شناسی و آگاهی‌اش از اهمیت این معارف نوظهور، موجب شده تا از نگاهی تاریخ‌مند به اشیاء باستانی و آثار تاریخی و هنری برخوردار باشد و به آنها به منزلهٔ مدارک تاریخی معتبر استناد نماید.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ هنر، تاریخ‌نگاری هنر ایران، عصر ناصری، اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار

\*. دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکدهٔ علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران. (نویسندهٔ مسئول)  
ghaffari\_1@yahoo.com

\*\* استادیار و عضو هیئت علمی گروه فلسفه هنر، دانشکدهٔ علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

maziar1356@gmail.com

### ۱- مقدمه

جریان تاریخ‌نگاری<sup>۲</sup> ایران در دوران قاجار و به طور خاص ایام سلطنت ناصرالدین شاه یا عصر ناصری از پارادایم سنتی تاریخ‌نگاری، یعنی وقایع‌نگاری صرف، به سوی تاریخ‌نگاری نوین و مبتنی بر شیوه‌های علمی گذار نموده است. زیرا ارتباطات تنگاتنگ سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی دربار ایران با کشورهای اروپایی و اعزام محصلان به این کشورها برای ادامهٔ تحصیلات آکادمیک، موجب تأثیرپذیری مورّخین این دوران از تحولات جهانی در عرصهٔ علوم مختلف و در رأس آنها تاریخ شده است. در شمار مورّخین پیشروی این دوران، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه<sup>۳</sup> است که با بهره‌گیری از آموخته‌هایش در زمینهٔ شیوه‌های پژوهشی تاریخ و جغرافیا، که طی تحصیلاتش در فرانسه کسب کرده بود، بر آن شد تا به زعم خود به تصحیح علم تاریخ در ایران بپردازد. همچنین، نگاهی به تألیفات او و دیگر مورّخین عصر ناصری حاکی از آن است که، در این ایام، در زمینهٔ نگارش تاریخ هنر نیز تحولاتی روی داده و تاریخ‌نگاری هنر ایران، مسیری تازه و مبتنی بر شیوه‌های نوین علمی را در حیطهٔ مطالعات تاریخی، به تاسی از غرب، در پیش گرفته است. چنان‌که اعتمادالسلطنه بر خلاف مورّخین اعصار پیش از خود که صرفاً برخی از هنرها همچون خوشنویسی و به عبارت بهتر کتاب‌آرایی را مد نظر داشتند، در آثارش و به طور خاص در المآثر و الآثار با اتکا به مکتوبات معتبر گذشته، روایات شفاهی و پژوهش‌های شخصی‌اش به تاریخچهٔ ابنیهٔ باستانی و آثار معماری، رویدادهای تأثیرگذار در سیر تحولات رشته‌های هنری و شرح احوال، آثار و رسالات هنر مندان شاخه‌های مختلف پرداخته است.

المآثر<sup>۴</sup> و الآثار که از تألیفات مؤخر اعتمادالسلطنه است، در شانزده باب به همراه سالنامه<sup>۵</sup> به مناسبت چهلمین سالگرد پادشاهی ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۶ق منتشر شده است. او در این کتاب به اخبار، رویدادها، و احوال اشخاص طی چهل سال سلطنت ناصرالدین شاه پرداخته و این اثر از اصلی‌ترین منابع شناخت و ویژگی‌های

تاریخی و اطلاعات رجالی آن دوران به شمار می‌رود. گفته می‌شود که اعتماد السلطنه برای نگارش این کتاب مطالب فراوانی را از نقاط مختلف گردآوری کرده، روزنامه‌ها و گزارش‌های متعددی را دیده و نزد خویش تحلیل نموده است. در نهایت نیز شخصاً یا از طریق کارکنان دارالتألیف و دارالترجمه همایونی، که در آن زمان ریاست آن را بر عهده داشته است، با نظارت بر روند نگارش آنها، این اثر را به تحریر درآورده است. منابع مورد استفاده او در این کتاب بدین شرح بوده است: روزنامه‌ها و گزارش‌های دوائر دولتی، دفاتر و کتابچه‌های دربار و اشخاص آن، اطلاعات کارکنان دارالتألیف و دارالترجمه همایونی در مورد احوال افراد و احتمالاً پرسش‌نامه‌هایی که جهت کسب داده‌های مردم‌شناسی ولایات برای فرمانداران آن نقاط فرستاده بود.<sup>۶</sup>

در توصیف محتوای کتاب می‌توان گفت که باب‌های اول تا ششم به ترتیب در رابطه با شخص ناصرالدین شاه، فرزندان، همسران، وزرا، حکام ایالات و جنگ‌های این دوران بوده است. در باب هفتم و هشتم به شرح آثار و ابنیه ساخته شده و نیز ترقیات صنایع و علوم در ایران، طی این چهل سال، و در باب نهم به نهضت‌های ایران و دیگر کشورها پرداخته شده است. در باب دهم فهرستی از رجال اعم از علما، مجتهدین، شعرا و هنرمندان بالاخص خوشنویسان این دوره ارائه شده، باب یازدهم در رابطه با وزرا و امرایی که نشان تمثال همایون را در عصر ناصری حمل نموده‌اند و باب دوازدهم مشتمل بر القابی است که افراد در این دوران داشته‌اند. باب سیزدهم در رابطه با افزایش خراج و باب چهاردهم در مورد حاکمان معاصر ناصرالدین شاه و ذکر انواع حکومت آنهاست. در باب پانزدهم به ایلچی‌ها و سفیران داخلی و خارجی و در باب آخر به رویدادهای جهانی مقارن با این دوران اشاره شده است. انتظار می‌رود که اعتماد السلطنه در باب‌های هفتم، هشتم و دهم تمرکز بیشتری بر موضوعات مرتبط با تاریخ‌نگاری هنر ایران داشته باشد. لذا در پژوهش حاضر، در پاسخ به پرسش اصلی، که شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر نزد اعتماد السلطنه

در المآثر و الآثار کدام‌اند، به این سه باب به تفصیل و با جزئیات دقیق‌تری پرداخته شده است؛ همچنان‌که ارجاعات و اشارات مرتبط با تاریخ‌نگاری هنر ایران در دیگر باب‌ها نیز علی‌رغم کلی و اندک بودن، ارزیابی شده و مصادیق مستخرج از متن که مشخص‌کننده شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر نزد اعتماد السلطنه بوده، ذیل سه بخش اصلی «مفاهیم و اصطلاحات»، «رویکرد به آثار» و «روش‌شناسی» دسته‌بندی شده است. واژگان و عبارات به‌کاررفته در کتاب در دو گروه بنیادی و تخصصی بررسی شده و در رویکرد به آثار، نحوه مواجهه اعتماد السلطنه با بنا، شیوه توصیف عمارات و ابنیه از منظر او و نوع نگاهش به اشیا تاریخی و آثار باستانی مطالعه شده است. روش‌شناسی اعتماد السلطنه نیز در المآثر و الآثار از دو وجه ایجابی و سلبی مرور شده است؛ چنان‌که وجه ایجابی در توجه به مشاغل هنری و غیر هنری، ذکر رویدادهای تاریخی مربوط به هنرها، استخراج اطلاعات مرتبط با تاریخ هنر از ابنیه و تزیینات معماری، و مقایسه هنرمندان با یکدیگر بروز نموده و وجه سلبی مشتمل بر نکاتی است که اعتماد السلطنه عامدانه یا غیر عامدانه به آنها پرداخته است. اما پیش از بررسی هر یک از عناوین مذکور، لازم است به پیشینه پژوهش و روش تحقیق پرداخته شود:

## ۲- پیشینه پژوهش

پس از بررسی‌های انجام شده در رابطه با مقالات و پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه تاریخ‌نگاری هنر ایران در عصر ناصری، مشخص شد که به‌طور خاص در رابطه با شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر نزد اعتماد السلطنه به غیر از مقاله پیشین نگارندگان با عنوان «آگاهی تاریخی از هنر در مکتوبات اعتماد السلطنه» که در نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی در سال ۱۴۰۱ به چاپ رسیده<sup>۷</sup>، پژوهش دیگری تاکنون منتشر نشده است. در مقاله مذکور نیز به چهار اثر مهم اعتماد السلطنه مشتمل بر تاریخ منتظم ناصری، مرآة‌البلدان، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه و المآثر و الآثار پرداخته شده و از منظری

کلی، مفهوم «آگاهی تاریخی از هنر»<sup>۸</sup> نزد او در این متون بررسی گردیده است. همچنین، جستجوهای انجام شده حاکی از آن است که تحقیقی که به طور مستقیم در رابطه با المآثر و الآثار باشد، در سایر حوزه‌های مرتبط با تاریخ نیز منتشر نشده است. از سویی اهمیت المآثر و الآثار به لحاظ مؤخر بودنش در میان مکتوبات اعتمادالسلطنه در عصر ناصری، همچنین نحوه مواجهه او با مقوله تاریخ‌نگاری هنر ایران و مهم بودن مصادیق و ارجاعات مرتبط با هنرها، ضرورت بررسی آن را در نوشتاری جداگانه توجیه می‌نماید.

### ۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر در پارادایم تفسیری، با راهبردی کیفی و به شیوه تفسیری - تاریخی در پی پاسخ به این پرسش است که شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر نزد اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار کدام‌اند. بدین منظور کتاب المآثر و الآثار تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، با تصحیح ایرج افشار، از انتشارات اساطیر، چاپ سال ۱۳۶۲ش مطالعه و بررسی شده است. این پژوهش متن محور بوده و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است. همچنین، ابزار انجام آن فیش‌برداری بوده است. در جهت بررسی شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر ایران نزد اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار، مصادیق دال بر تمرکز و توجه او به نگارش تاریخ هنر ایران مستتر در متن کتاب ذیل سه دسته‌بندی اصلی «مفاهیم و اصطلاحات»، «رویکرد به آثار» و «روش‌شناسی» مرور و مطالعه شده است که در ادامه به تفکیک به این سه پرداخته می‌شود.

### ۴- مفاهیم و اصطلاحات

جهت ارزیابی نحوه تلقی اعتمادالسلطنه از مقوله تاریخ، تاریخ‌نگاری و، به طور خاص، تاریخ‌نگاری هنر، واژگان و عبارات مندرج در المآثر و الآثار ذیل دو بخش بنیادی و تخصصی مطالعه و بررسی شده‌اند. چنان‌که در بخش مفاهیم و اصطلاحات بنیادی، واژگان و عبارات مرتبط با تاریخ و تاریخ‌نگاری و همچنین درک اعتمادالسلطنه از

واژه بااهمیت «صنعت» در آن دوران بررسی شده است. در بخش مفاهیم و اصطلاحات تخصصی نیز تحت دسته‌بندی‌های «نقاشی، عکاسی و خوشنویسی»، «معماری، تذهیب و کاشی‌کاری»، «موسیقی» و «منسوجات و فرش» به چگونگی درک اعتمادالسلطنه از هر یک از زمینه‌های هنری مذکور اشاره شده است.

### ۴-۱- مفاهیم و اصطلاحات بنیادی

۴-۱-۱- تاریخ و تاریخ‌نگاری: اعتمادالسلطنه در دیباچه المآثر و الآثار از «تلفیق اخبار و آثار و مزایا و مفاخر و خصایص و مآثر این چهل سال» بر پایه «اسلوبی جدید و طرازی بدیع» سخن گفته است. او ضمن بررسی تواریخ پیشین در صدد برآمده تا در حد بضاعت خویش و شرایط زمانه، تاریخی متفاوت از آنچه در سنت گذشته ایران مرسوم بوده را بر مبنای شیوه و اسلوبی نوین بنگارد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲ الف: ۲۳ و ۲۴). او در مرور ترقیبات و پیشرفت‌های عصر ناصری ادعا نموده که تواریخ گذشته «سخت سست و ضعیف» بوده و دلیل خود را وجود «اخبار ضعاف و عجایب خرافات» خصوصاً در تواریخ پیش از اسلام ذکر کرده است. او در رابطه با آنچه خود در زمینه تاریخ‌نگاری انجام داده، به استفاده از تواریخ جدید و قدیم اروپا از زمان هردوت به بعد و نیز «تطبیق تواریخ عرب، فرس، روم، یونان، مصر و فرنگ با یکدیگر» اشاره کرده است. مضاف بر اینکه «مسکوکات پادشاهان گذشته و خطوط» برجای‌مانده را در راستای تمیز دادن اخبار صحیح و آثار صریح از خرافات و افسانه‌ها به کار برده است (همان: ۱۳۱) که خود مؤکد رویکرد باستان‌گرایانه او نسبت به اشیا و آثار تاریخی بوده است.

اعتمادالسلطنه ضمن برشمردن خطوط خوشنویسی، که ناصرالدین شاه در آنها مهارت داشته، به نگارش روزنامه خاطرات به خط شخص او اشاره کرده که در خزینه مبارکه یا موزه همایونی نگهداری می‌شده است. او در اشاره به عادت ناصرالدین شاه در نگارش اخبار و وقایع، این مجلدات را بسیار ارزشمندتر از سایر

اشیا عتیقه موزه دانسته است (همان: ۱۷۳). در واقع روزنامه‌نویسی یکی از ژانرهای نوظهور نگارش تاریخ در آن دوران بوده و به طور خاص در میان پادشاهان، بزرگان و درباریان رواج داشته است. اعتمادالسلطنه نیز به این مهم اهتمام ورزیده و یکی از آثار قابل تأمل او در زمینهٔ اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر ناصری، روزنامهٔ خاطرانش<sup>۱</sup> است.

همچنین، کاربرد عباراتی چون «تصحیح عادات و رسوم» و «ایقاظ<sup>۲</sup> طبایع از غفلت جهالات»، نشان‌دهندهٔ وقوف اعتمادالسلطنه به ضرورت تحول در عرصهٔ علوم، معارف و حتی سنت‌هاست. چنان‌که بروز این‌گونه تغییرات در سطح جهانی، از ویژگی‌های تاریخی آن دوران بوده<sup>۳</sup> و استفادهٔ او از عبارت «عصر جدید» (همان: ۲۳ و ۲۴) در رابطه با دورهٔ ناصری، به‌گونه‌ای حکایت از درک اعتمادالسلطنه از شرایط و تحولات جهانی و تلاش شاه و درباریان در همسو ساختن ایران با این تغییرات دارد.

۴-۱-۲- صنعت: اعتمادالسلطنه از عباراتی چون «ترویج صناعات»، «انتشار فنون جدید و افتتاح صنایع بدیع» و «بعث<sup>۴</sup> نفوس به کسب هنرها و تحصیل کمالات» استفاده کرده است. او در ذکر فضایل ناصرالدین شاه از «صنعت نقاشی» نام برده که شاه در آن «مهارتی به کمال» داشته است؛ یا در برشمردن ویژگی‌های ضروری برای شاه ایران از «باز نمودن پای فضایل و علوم جدید» به کشور و «گشودن در به روی صنایع مستظرفهٔ بدیعه» سخن گفته است (همان: ۲۳، ۲۹ و ۳۰). کاربرد عبارت «صنایع مستظرفهٔ بدیعه» که در عصر ناصری نوظهور بوده است، می‌تواند تلقی اعتمادالسلطنه را از مفهوم نوین هنرهای زیبا<sup>۵</sup> در غرب در بر داشته باشد. همچنین، در خلال متن عکاسی، نقاشی، تذهیب، مجسمه‌سازی، زری‌بافی، قالی‌بافی، موسیقی و شعر تحت عنوان «صنعت» یا «فن» آمده است (همان: ۱۳۰-۱۳۱، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۶۸، ۲۵۵ و ۲۷۷)؛ یا در شرح فضایل میرزا تقی‌خان مجدالملک، «نقاشی، نقاری و حکاکی» ذیل «صنایع

عالیه» قرار گرفته و در توصیف هنرهای محمدقاسم خان ملک‌الشعرا کاشانی از «نقاشی و منبت‌کاری» تحت عنوان «اعمال ید» نام برده شده است (همان: ۲۵۳-۲۵۴ و ۲۶۴). استفادهٔ غیر یکسان و متنوع از واژگانی چون صنعت، فن، هنر، صنایع مستظرفه، صنایع عالییه و اعمال ید در این کتاب، می‌تواند حاکی از تحولات آن دوران در گذار از تاریخ‌نویسی سنتی به عصر نوین و ظهور درکی تازه در عرصهٔ هنر و تاریخ‌نگاری آن باشد.

#### ۴-۲- مفاهیم و اصطلاحات تخصصی

۴-۲-۱- نقاشی، عکاسی و خوشنویسی: اعتمادالسلطنه عبارت «دورنما و شبیه‌سازی» را در توصیف مهارت ناصرالدین شاه در نقاشی به سبک غربی مطابق با قواعد ژرفانمایی<sup>۶</sup> و به سبک طبیعت‌گرایانه<sup>۷</sup> به کار برده است؛ همچنان‌که ابزار نقاشی مورد استفادهٔ شاه، شامل «مداد، رنگ و قلم‌های فرنگی»، را نیز ذکر کرده است. او در وصف سرعت عمل ناصرالدین شاه در نقاشی از واژهٔ «طرفه‌العین» استفاده کرده و مهارت شاه را در سبک طبیعت‌گرایانه با بیان «شبیه هر کس را در نهایت خوبی در صفحه مصور می‌فرمایند» یادآور شده است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲ الف: ۲۹)

همچنین در باب هشتم، عکاسی «فنی از شعب علوم طبیعی» معرفی شده و در دسته‌بندی علوم، به دلیل کاربرد «خواص شیمیایی نور» در زمرهٔ شاخه‌های علم شیمی قرار گرفته است. اعتمادالسلطنه به تاریخچهٔ شکل‌گیری عکاسی از زمان محمد شاه پرداخته و متذکر شده که «تکمیل این صنعت و انتشار عمل عکس» در آن زمان «فوتوگرافی» نام داشته است. ضمن اینکه از واژهٔ «داگروتیپ» به عنوان «اسباب عکس که موسیو ریشارد آورده و روی نقره می‌انداختند» سخن گفته است. او خاستگاه شکل‌گیری واژهٔ مذکور را نام مخترع آن دانسته و به رواج این هنر و متعدد بودن عکاس‌ها و عکاس‌خانه‌ها در تهران و دیگر شهرهای ایران اشاره کرده است. همچنین، از تأثیر عکاسی بر نقاشی، ذیل عنوان

«ترقی نقاشی»، سخن گفته و «تکمیل دورنما سازی، شبیه کشی، وانمودن سایه و روشن، به کارگیری قانون تناسب و سایر قواعد نقاشی» را به عکاسی نسبت داده است. (همان: ۱۳۱ و ۱۶۸)

در رابطه با خوشنویسی نیز اعتمادالسلطنه از «خط نستعلیق، ثلث و نسخ» تحت عنوان «هنرها» نام برده است. او در شرح احوال اصحاب علم و ارباب کمال، به خطوط که در آن مهارت داشته‌اند، مانند «هر هفت خط»، «خط شکسته»، و سایر خطوط اشاره کرده است. (همان: ۲۵۵-۲۵۶ و ۲۶۸)

۲-۲-۴- معماری، تذهیب، و کاشی کاری: اعتمادالسلطنه آنچه در این دوران در رابطه با بناهای گنبددار و بقاع متبرکه صورت گرفته بود را با «تذهیبات رایق<sup>۶</sup> و تزیینات فائق<sup>۷</sup>» توصیف کرده است. چنان که در شرح ابنیه سلطنتی و عمارات دولتی، آنها را متشکل از «وثاق‌های معجب» یا اتاق‌های شگفت‌انگیز، «تالارهای مرتفع»، «ایوان‌های مشید»<sup>۸</sup> یا ایوان‌های مرتفع، «جواسق<sup>۹</sup> مقرنس» یا کوشک‌های مقرنس‌دار و «دروب مستغرب»، به معنای درهای بیگانه یا غربی، دانسته است. به باور او، این ابنیه «بطرزهای مخترع و هندسه مستحدث و اشکال متجدد و تراکیب مستحکم» ایجاد شده و اغلب «جدران مجرد<sup>۱۰</sup> و سقف منمق و اسطوانات مصقول داخله آنها» به معنای دیوارهای عالی، سقف‌های مزین و ستون‌های صیقل داده شده درونشان توسط نقاشان ماهر و مذهبان ظریف کار طوری خلق شده که دیدن آن موجب «تیرگی عقل و خیره شدن فهم» می‌شده است (همان: ۸۲). مقصود اعتمادالسلطنه از بیان این عبارات در توصیف ابنیه عصر ناصری، پیش‌بینی میزان شگفت‌زدگی بیننده از مشاهده زیبایی و عظمت این عمارات و انتقال این درک به خواننده بوده است. هرچند دور از انتظار نیست اگر به سبب جایگاه و منصبش در دستگاه حکومتی، در وصف زیبایی و تشریح کیفیت این ابنیه تا حدودی اغراق نموده باشد. البته، باید در نظر داشت که شیوه تاریخ‌نویسی مرسوم در میان مورّخین آن عصر، بر پایه مدح

شخصیت‌ها و شاهان و نیز بزرگنمایی خدماتشان بوده است. از سوی دیگر مراد اعتمادالسلطنه از به کار بردن واژگانی چون «طرزهای مخترع و هندسه مستحدث»، اشاره به استفاده هنرمندان آن دوران از شیوه‌های بدیع و اصول هندسی نوآورانه در معماری ابنیه بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲ الف: ۸۲)؛ همچنان که کاربرد شکل‌های جدید و ترکیبات مستحکم را نیز متذکر شده است. به علاوه، در رابطه با مجموعه سپهسالار در دارالخلافه ناصری، ضمن ذکر قسمت‌های مختلف آن مشتمل بر مسجد جامع، مقصوره، مدرسه‌ای با صحن بزرگ و بیمارستان در بیان تزیینات معماری از عبارت «معرفات ملونه قاشانی» (همان: ۱۱۶) استفاده کرده و کاربرد کاشی‌های معرق کاشان را مضاف بر سنگ در ساخت این مجموعه یادآور شده است.

۳-۲-۴- موسیقی: اعتمادالسلطنه در باب هشتم به مقایسه موسیقی فرنگی و ایرانی پرداخته است. او متذکر شده که «پرده‌های آهنگ‌های فرنگی، فاقد درکی از دستگاه و آواز بوده و دستگاه‌های مختلف را از هم تمیز نمی‌دهد». همچنین «صنعت موسیقی» غریبان را مشتمل بر «آغانی<sup>۱۱</sup> و تصانیف» دانسته و بر این باور بوده که آنها مسئله «تخمیر<sup>۱۲</sup> عقول و تخدیر<sup>۱۳</sup> نفوس» را چاره کرده‌اند (همان: ۱۵۰). او در اینجا تلویحاً به حکم فقهی تحریم موسیقی در اسلام از نوع غنا اشاره نموده و موسیقی غربی را مبری از این امر برشمرده است؛ مضاف بر اینکه اسامی برخی از سازهای اروپایی همچون «پیانو»، «ارغنون» یا همان ارگ و نای‌های فرنگی که احتمالاً منظور نظرش فلوت بوده را نیز آورده و از وجود آنها در ایران و مخصوصاً تهران سخن گفته است. (همانجا)

۴-۲-۴- منسوجات و فرش: اعتمادالسلطنه در توصیف «قصر یاقوت» به مملو بودن آن از اثاثیه ارزشمند، با آوردن واژه «ثمین»<sup>۱۴</sup>، اشاره نموده و در کنار آن بلافاصله عبارت «فرش ستبرق<sup>۱۵</sup>» را در معنای فرش زری‌باف آورده است. همچنین، در شرح آبادسازی اراضی شهرری و حسین‌آباد به دست میرزا محمدحسین

فراهانی دبیرالملک، از «کارخانه زری بافی» نام برده که در آنجا «در کمال آراستگی» بر پا بوده است. (همان: ۸۶ و ۹۹)

## ۵- رویکرد به آثار

در این بخش، بر اساس مصادیق مستخرج از متن المآثر و الآثار، نحوه مواجهه اعتمادالسلطنه با بنا، شیوه توصیف عمارات، و ابنیه از منظر او و نیز نوع نگاهش به اشیا تاریخی و آثار باستانی به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته است:

### ۵-۱- نحوه مواجهه اعتمادالسلطنه با بنا

اعتمادالسلطنه در معرفی محتوای باب هفتم، از عبارت «آثار مادیه و مآثر حسیه» استفاده کرده است. سپس منظور خود را «ابنیه مستحدثه<sup>۶۲</sup> و عمارات متجدده» که طی چهل سال سلطنت ناصرالدین شاه «ایجاد، تعمیر و یا تجدید» شده، بیان کرده است (همان: ۸۲). او با به کار بردن واژه «حسیه» به گونه‌ای بر اهمیت نقش حواس پنج‌گانه در شکل‌گیری تجربه ادراکی از ابنیه و آثار معماری تأکید ورزیده است. از سوی دیگر با استفاده از واژه «مآثر» خواننده را به وجه کاربردی بنا و نیز بهره بردن آیندگان از فواید آن تذکار داده است. آوردن واژه «متجدده» در رابطه با ابنیه و عمارات نیز به نوبه خود می‌تواند دال بر آشنایی اعتمادالسلطنه با شیوه نوین معماری، بر پایه الگوهای غربی متداول در آن دوران باشد.

همچنین، مواجهه اعتمادالسلطنه با ابنیه، از جمله عمارات سلطنتی از منظر کاربردی، دربرگیرنده جزئیات و توجه خاص او به عناصر و الگوهای معماری است. چنان‌که در رابطه با «قصر یاقوت» ضمن استفاده از آرایه ادبی تشبیه در نسبت دادن استحکام این بنا به کاخ خورنق<sup>۶۳</sup> در گذشته تاریخی ایران، ارزشمندی اسباب و اثاثیه آن را یادآور شده و مکان جغرافیایی و نام احداث‌کننده را هم متذکر شده است. او این قصر را بر اساس شیوه معماری به دو بخش «کوشک بیرونی»

و «حرمخانه و اندرونی» تقسیم کرده و نحوه ساخت اولی را «بطرز عمارات ییلاقی فرنگی» و دومی را «شبهه ابنیه سلاطین صفویه» دانسته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲ الف: ۸۶)؛ یعنی با علم به الگوهای معماری غربی و سبک و سیاق کاخ‌های صفوی، با تقسیم‌بندی قصر به این دو بخش، به گونه‌ای بر تمایز بین این دو الگوی معماری تأکید نموده است. همچنین، باغ آن را «به وضع پارک» معرفی کرده است (همان). کاربرد واژه فرانسوی «پارک»<sup>۸۲</sup> که اعتمادالسلطنه با استفاده از آن پارک امین‌الدوله را در دارالخلافه ناصره «در روح و ریحان سهیم با بهشت» (همان: ۱۱۹) دانسته است، در جای خود می‌تواند حاکی از شناخت او نسبت به این مفهوم نوین غربی در معماری شهری باشد.

از سویی اعتمادالسلطنه در مواردی مانند «ابنیه قشلاق جاجیرود»، به بنا در مقام اثری تاریخی نگریده و لذا تاریخچه شکل‌گیری ابنیه را در نظر خواننده برجسته نموده است. چنان‌که عمارات آنجا را به دو بخش «عتیق و جدید» تقسیم نموده (همان: ۸۶) و زمان ساخت و تعمیر هر یک را به لحاظ مصادف بودن با سلطنت هر یک از شاهان قاجار متذکر شده است<sup>۹۲</sup>. تقسیم‌بندی عمارات به عتیق و جدید و بر حسب مؤلفه زمان، حاکی از نگاه تاریخ‌مند اعتمادالسلطنه در توصیف ابنیه است. او کاربری بنا را نیز بر حسب زمان استفاده شاه از آن، یعنی موسم قشلاق چنان‌که در نامش نیز مستتر است، با آوردن عبارت «رحله الشتاء» (همان) به معنای استقرار موکب شاه در سفر زمستانی در آنجا متذکر شده است.

### ۵-۲- توصیف عمارات و ابنیه

اعتمادالسلطنه در باب هفتم در شرح ابنیه و عمارات ساخته یا مرمت‌شده در عصر ناصری، ابتدا به اماکن مقدسه و سپس بناهای سلطنتی پرداخته است. او بر حسب مورد به برخی از ویژگی‌های ظاهری، تزئینات، جنس مصالح به‌کاررفته در بخش‌های مختلف، تعداد طبقات و اندازه ارتفاع، کیفیت ساخت و میزان استحکام بنا توجه نموده است. چنان‌که به چند طبقه و مرتفع بودن

«قصر شمس‌العماره» اشاره نموده و تعداد طبقات را «خمس» به معنای پنج ذکر کرده است (همان: ۱۰۵). او باور داشته که این بنا به لحاظ «هندسه و ترکیب و طرح و تشکیل» همچنین «مزایای تالارها و مجالس و کاخ‌ها و مناظر» در میان ابنیه ساخته شده توسط شاهان پیشین مشابهی نداشته و طرح‌ریزی آن «به دستکاری دوستعلی خان معیرالممالک بر اساس قصرهای عمارات فرنگستان» صورت گرفته است (همان: ۸۴ و ۱۰۵). او با نامیدن این بنا با عنوان «اساس جدید و جوسق جاوید» (همانجا) به نوظهور بودن شیوه ساخت و معماری آن اذعان نموده است.

اعتمادالسلطنه در توصیف کیفیت ساخت عمارت «فرح‌آباد» به «آراستن و پرداختن به هر گونه تأنیفات و تزویقات»<sup>۳۲</sup> که در صفحه خیال» انسان بالاتر از آن نمی‌گنجد اشاره کرده و مقصودش ظهور حد اعلائی ظرافت و دقت در اجرای تزئینات و خلق اجزای معماری آن بوده است؛ همچنان که نوع مصالح به کاررفته در ساخت بنا را مشخص نموده که همه از «گچ و آجر سخت و سفید» بوده و بر کیفیت ممتاز این مصالح با یادآوری اینکه «نیمه‌ای از خشت خام یا نیم‌پخته» در هیچ بخش از بنا به کار نرفته، تأکید ورزیده است (همانجا). او عمارات موجود در «باغ عشرت‌آباد» را به «کوشک‌هایی صنیع»<sup>۳۳</sup> تشبیه کرده و باور داشته که «شایسته شأن شاهان بزرگ‌همت» بوده است (همان: ۸۵). کاربرد صفت «صنیع»<sup>۳۴</sup> با توجه به رایج بودن هم‌خانواده آن «صنعت» در اطلاق به هنرها در آن زمان قابل تأمل است. مضاف بر اینکه لقب اعتمادالسلطنه «صنیع‌الدوله»<sup>۳۵</sup> بوده است و اینکه او صفت مذکور را در مورد کوشک‌های لایق پادشاهان به کار برده، نوعی ایهام را در بر دارد؛ گویی به طور غیر مستقیم خویشتن را مستحق زیبایی، جلال و شکوه ابنیه این باغ دانسته است. اعتمادالسلطنه متذکر شده که «اصل احداث و تأسیس و انشاء»<sup>۳۶</sup> این باغ دیارا<sup>۳۷</sup> و اشجارا» به دست خود او بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲ الف: ۸۵). در واقع، او با آوردن سه واژه مترادف ساختن و بنیاد نهادن

در کنار هم و با قید «دیارا» و «اشجارا» بر نقش خود در ایجاد بنا، باغ و فضای سبز آن، اعم از کاشت درختان، صحنه گذاشته است.

### ۵-۳- نگاه اعتمادالسلطنه به اشیا تاریخی و آثار باستانی

اعتمادالسلطنه در تعریف «اطاق موزه» آن را «محفظه اشیا عتیقه و مختزن اعلاق»<sup>۳۸</sup> نفیسه» معرفی کرده است (همان: ۸۷). او با آگاهی از میزان ارزشمندی و نفاست انواع اشیا موجود در این مکان مشتمل بر سنگ‌ها و جواهرات گرانبها، سلاح‌ها، آثار خوشنویسی، میراث پادشاهان و سکه‌های پیشینیان، این امر را به خواننده یادآور شده است. برای تأکید بیشتر نیز از صفت نادر و جمع آن «نوادر» استفاده کرده و بر این باور بوده که خلق مجدد این اشیا از کسی بر نمی‌آید. او آگاهی از ارزش مادی این آثار را موجب شگفتی افراد دانسته و سعی نموده است تا تخمینی کمی از قیمت این گنجینه در اختیار خواننده قرار دهد.<sup>۳۹</sup> همچنین، برای مشخص نمودن خاستگاه پیدایش موزه در ایران عصر ناصری، مدعی شده که ایجاد آن «به طرز ممالک متمدنه اروپا» صورت گرفته (همان: ۱۰۹) و در ارائه تعریف مرسوم از موزه در اروپا<sup>۴۰</sup>، به توصیف میزان شگفتی و لذت تجربه شده توسط انسان از بازدید موزه و نهایتاً فواید آن در مشخص نمودن درجه ترقی کشورها پرداخته است. (همان: ۱۳۵)

آوردن عنوان «انتشار علم نومیسما تیک»<sup>۴۱</sup> در فهرست ترقیات ایران در عصر ناصری نیز نشان‌دهنده توجه ویژه اعتمادالسلطنه به علوم نوظهور باستان‌شناسی و سکه‌شناسی در آن زمان و نیز آگاهی و شناخت او نسبت به ارزشمندی اشیا تاریخی است؛ چنان که نومیسما تیک را «معرفت مسکوکات قرون قدیمه» تعریف کرده است. او به رفع ممنوعیت نگهداری از سکه‌های قدیمی در دوران ناصری اشاره کرده و از ویژگی‌های افراد خاص، داشتن کلکسیون و تلاش برای خواندن خطوط باستانی برشمرده است. همچنین، از

مجموعه سکه‌های در حال کامل شدن خود که مشتمل بر مسکوکات دوران اسکندر کبیر تا سکه صاحب‌قرانی عصر ناصری بوده و تصمیمش برای اهدای آن به موزه همایونی سخن گفته است (همان: ۱۳۷-۱۳۸). او در شرح احوال میرزا محمود مستوفی مملکت خراسان، به استادی او در «فن نومیسما تیک یا معرفه المسکوکات» اشاره نموده و از مهارتش در خواندن «خطوط و اقلام متعلقه» سخن گفته است. به علاوه متذکر شده که «بسیاری از روستاهای سرسبز در ازای نگین‌های حکاکی‌شده و دیار وسیع در برابر سکه‌های فلزی معاوضه شده است، که به باور افراد جاهل این‌گونه معاملات بیهوده و اسراف‌کارانه بوده است. در حالی که اهل بصیرت و تحقیق که به ارزشمندی اشیا عتیقه و آنتیک<sup>۹۳</sup> آگاه بوده‌اند، صرف مال را در راه کمال شیوه اشرف و نه اتلاف ثروت می‌دانستند» (همان: ۲۶۶). در واقع، او با مقایسه دیدگاه افراد مختلف در رابطه با ارزش اشیا باستانی، تلویحاً رویکرد خود را نسبت به اشیا عتیقه و نیز مسکوکات قدیمی به خواننده متذکر شده است. مضاف بر اینکه در بخش‌هایی از متن به «مسکوکات قدیمه» به عنوان یکی از منابع خود در نگارش تاریخ اشاره نموده است. چنان‌که در مجموعه دیگرش با عنوان مطلع الشمس، از سکه به عنوان سندی تصویری در جهت مشخص نمودن تاریخ صحیح شهادت امام رضا<sup>(ع)</sup> استفاده نموده و اطلاعات منقوش بر آن را با متون تاریخی تطبیق داده است. در نهایت، هم با توجه به متفاوت بودن اطلاعات حک شده بر سکه‌ها و نوشتارهای مکتوب در متون پیشین، رأی به صحت سکه‌ها داده است. (همان، ۱۳۶۲: ج ۲، ۴۶۵-۴۶۶)

اعتمادالسلطنه در شرح «باغ طغرلیه» ضمن ذکر موقعیت مکانی، ضرورت مرمت این بنا را در آن دوران یادآور شده و به زمان تقریبی ساخته شدن آن و سببش با آوردن نام طغرل‌بیک سلجوقی اشاره کرده است. همچنان‌که با برشمردن این بنا در زمره «انبیة عتیقه» و تأکید بر لزوم تعمیر آن با ذکر عبارت «در چنین موقع مخصوص حفظ آن لازم می‌نمود» (همان، ۱۳۶۲ الف:

۸۴ و ۸۵)، به نوعی درک خود را از اهمیت نگهداری و حراست از آثار تاریخی و باستانی بیان نموده است.

## ۶- روش شناسی

روش‌شناسی اعتمادالسلطنه در نگارش تاریخ هنر در المآثر و الآثار ذیل دو وجه ایجابی و سلبی مورد بررسی قرار گرفته است. چنان‌که وجه ایجابی روش‌شناسی او در توجه به مشاغل اعم از غیر هنری و هنری، ذکر رویدادهای تاریخی مرتبط با هنرها، استخراج اطلاعات مرتبط با تاریخ هنر از ابنیه و تزئینات معماری و مقایسه هنرمندان با یکدیگر بروز نموده است. در وجه سلبی نیز نکاتی که اعتمادالسلطنه به آنها نپرداخته یا نسبت به آنها عامدانه یا غیر عامدانه غفلت ورزیده، مرور و مطالعه شده است.

## ۶-۱- توجه به مشاغل

۶-۱-۱- مشاغل غیر هنری: در باب چهارم که اعتمادالسلطنه به ذکر اسامی رجال دولتی، رؤسای دوایر و باشی‌های مشاغل<sup>۹۴</sup> پرداخته است، ذیل عنوان «اداره مدرسه مبارکه دارالفنون» به نام علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه و زمان به ریاست رسیدن او، یعنی سال ۱۲۷۲ق، و علیقلی خان مخبرالدوله و ریاستش از سال ۱۲۹۸ق اشاره نموده است<sup>۹۵</sup> (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲ الف: ۴۲). همچنین، در بخش «اداره صرف جیب مبارک»<sup>۹۶</sup> نام آقا رضا عکاس باشی آجودان مخصوص ملقب به اقبال‌السلطنه را آورده است. این امر حاکی از وجود مشاغل متعدد برای برخی از درباریان بوده است؛ چنان‌که آقا رضا علاوه بر اشتغال به عکاسی، تحویل‌دار اداره مزبور نیز بوده است. اعتمادالسلطنه تحت عنوان «اداره انطباعات دولت علیه» نام ابوالحسن خان غفاری، ملقب به صنیع‌الملک، خودش و اعتضادالسلطنه را آورده است. او از تشکیل «اداره مجلس شریف دارالتألیف از اول قرن ثانی<sup>۹۷</sup> سلطنت ناصرالدین شاه» سخن گفته و ذیل این عنوان نام اعتضادالسلطنه و خودش را مجدداً آورده است. (همان: ۴۴-۴۶)



اعتمادالسلطنه در فهرست مشاغل به مورّخین آن دوران نیز توجه نموده و از آنها تحت عنوان کسانی که «وقایع سلطنت جاوید آیت را در سلک تألیف کشیده‌اند» نام برده است. اسامی این مورّخین، علاوه بر شخص اعتمادالسلطنه، مشتمل بر معاصرین او همچون رضاقلی خان هدایت، محمدتقی خان لسان‌الملک، محمدابراهیم بدایع‌نگار، میرزا هدایت‌اله لسان‌الملک ثانی بوده است (همان: ۵۰). بعدتر هم ذیل عنوان «تالیفات دولتی» به ذکر نام و موضوع برخی از آثار این مورّخین که به فرمان شخص شاه خلق شده بود، همانند ناسخ‌التواریخ<sup>۴۴</sup> لسان‌الملک، روضة‌الصفای<sup>۴۵</sup> هدایت، مرآة‌البلدان<sup>۴۶</sup> و منتظم ناصری<sup>۴۷</sup> خودش، نامه دانشوران ناصری<sup>۴۸</sup> اعتضادالسلطنه که پس از او عهده‌دار ادامه آن بوده و عقداللثالی<sup>۴۹</sup> بدایع‌نگار پرداخته است (همان: ۱۷۳-۱۷۴). در شرح حال «اصحاب علم و ارباب کمال» نیز که به ترتیب الفبای عربی آورده، به احوال این مورّخین با ذکر مهارت‌ها، آثار، سبک نگارش، اصل و نسب و محل دفن اشاره کرده است (همان: ۲۵۲ و ۲۵۴). همچنان که در رابطه با نادر میرزا قاجار شاهزاده مورخ هم‌عصرش، نام اثری از او در رابطه با «انواع اطعمه و الوان اغذیه ایرانی و کیفیت طبخ و ترکیب آش‌ها و خورش‌ها»<sup>۵۰</sup> را ذکر نموده که به «فارسی خالص»<sup>۵۱</sup> به نگارش درآورده بود. (همان: ۲۶۶-۲۶۷)

۱-۲-۶- مشاغل هنری: باب چهارم حاوی فهرست اسامی دارندگان مشاغل هنری نیز هست. اعتمادالسلطنه در بخش «اداره بنائی دیوان اعلی»، از محمدتقی خان معماریاشی، پدرش حاج علی خان حاج‌الدوله و اعتضادالسلطنه نام برده و ذیل عنوان «ریاست بناخانه و منصب معماریاشیگری» مجدداً نام محمدتقی خان معماریاشی را آورده است (همان: ۴۴-۴۵). او دو عنوان شغلی «نقاش‌باشی» و «عکاس‌باشی» را به تفکیک آورده و اسامی صنایع‌الملک و میرزا محمدخان کاشانی را ذیل اولی، و آقا رضا اقبال‌السلطنه و میرزا حسنعلی را ذیل دومی ذکر کرده

است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲ الف: ۴۸). این امر به نوبه خود می‌تواند حاکی از اهمیت جایگاه این دو رشته هنری در نسبت با سایر حرفه‌های دربار ناصری در آن دوران باشد. اعتمادالسلطنه در توضیح تأثیر عکاسی بر نقاشی از محمود خان ملک‌الشعرا، صنایع‌الملک، کمال‌الملک، میرزا جعفر خان زنجانی، میرزا ابوتراب خان نقاش‌باشی وزارت انطباعات و محمدحسن بیگ افشار ارومی به عنوان مشهورترین اساتید «صنعت نقاشی» نام برده است (همان: ۱۶۸). همچنین، در شرح احوال افراد صاحب کمالات مجدداً به برخی از این هنرمندان و نقاشان صاحب‌نام پرداخته است. از جمله محمود خان ملک‌الشعرا که ضمن ذکر اصل و نسب او، از مهارتش در «خط شکسته، تعلیق و نستعلیق»<sup>۳۵</sup> و «صنعت نقاشی» به خصوص «شعبه جدید دورن‌سازی» سخن گفته است؛ یا در مورد توانایی‌اش در منبت‌کاری روی عاج و چوب، آورده که «استادان چین آنها را به عنوان الگو می‌پذیرند» (همان: ۲۶۵). او در رابطه با میرزا جعفرخان سرهنگ زنجانی نیز از مهارت او در «جمیع شعب هفتگانه نقاشی» سخن گفته و در شمار این شعب، «ساختن شبیه، حالت، گل، حیوانات، دورنما، رزم و بزم» را ذکر کرده است. (همان: ۲۷۳)

در بخش «ریاست ارباب طرب» اعتمادالسلطنه به اسامی فعالان عرصه موسیقی پرداخته و تحت عنوان «موزکانچی‌باشی»، نام موسیو لمر فرانسوی که از مدرسان موسیقی غربی در دارالفنون بوده و موسیو مارکوف ایتالیایی را آورده است (همان: ۴۸ و ۴۹). قابل توجه است که او مابین نوازندگان ایرانی و استادان موسیقی غربی تمایز قائل شده و از عناوین متفاوت مرسوم در آن دوران در رابطه با هر کدام استفاده کرده است. در لیست علما و فضلا نیز به اسامی برخی از خطاطین و مختصری از سرگذشت هر یک از آنها پرداخته است (همان: ۳۰۰-۳۰۵). همچنان که در فهرست پایانی کتاب، تحت عناوین «وزارت جلیله مالیه و دربار اعظم دولت علیه» و «وزارت علوم و تلگراف و معادن ممالک محروسه»، به اسامی کارکنان

نقاش خانه، معمارخانه، عکاس خانه و باسمه خانه اشاره کرده است. (همان: ۳۸۷، ۳۹۶ و ۴۰۴)

اعتمادالسلطنه به اسامی خوشنویسان آن دوران نیز اشاره کرده و مختصری از احوال آنها مشتمل بر القاب، نام استاد، شاهزادگانی که شاگردانشان بوده‌اند، شیوه‌های ابداعی، خطوطی که در آن ماهر بوده‌اند، کتبی که به خط خود به نگارش درآورده‌اند، رسالاتشان در خوشنویسی یا احوال خوشنویسان<sup>۴۵</sup> و کتیبه‌هایی که در ابنیه و آثار معماری خلق کرده‌اند را ذکر کرده است. قابل تأمل است که اعتمادالسلطنه، به کتابت متون تاریخی، ادبی یا دایرةالمعارف‌ها توسط خوشنویسان نیز اشاره کرده است. چنان‌که از نگارش روزنامه شرف، اردوی همایون و چند سفرنامه همایونی به خط محمدرضا کلهر به سفارش خویش سخن گفته، یا میرزا طاهر همدانی را «کاتب نسخه اصل نامه دانشوران ناصری» معرفی کرده است (همان: ۲۷۵ و ۲۸۱). همچنین، در خلال شرح ابنیه در باب هفتم، به محل استقرار برخی مشاغل هنری نیز پرداخته است. او در توصیف «باب عالی» در ابتدای خیابان شمس‌العماره، از میدانی نام برده که در مقابل باب عالی ساخته شده و در حجره‌های شرق و شمال آن نقاشان مشغول به کار بوده‌اند. دو دسته موزیکانچی نیز هر روز عصر طبق برنامه‌ای از پیش تعیین شده در آنجا مشغول نواختن بودند. (همان: ۸۸)

## ۶-۲- ذکر رویدادهای تاریخی مربوط به هنرها

در شمار رویدادهای تاریخی حائز اهمیت و مرتبط با هنرها که در المآثر و الآثار ذکر شده، راه‌اندازی روزنامه مصور توسط ابوالحسن خان غفاری، ملقب به صنیع‌الملک، از دوران ریاست او بر دایرة انطباعات و روزنامه‌ها است. اعتمادالسلطنه ضمن تأکید بر بی‌همتایی مهارت این نقاش در «شبیه‌سازی و چهره‌پردازی بدون معاونت عکس»، او را در هنرش اولین شخص آن دوران برشمرده که در «روزنامه رسمی تصاویر رجال دولتی و مجالس سلام شاه را می‌کشیده و به طبع می‌رسانده است»؛ چنان‌که از ترسیم صورت میرزا ابوالفضل طبیب

کاشانی، پزشک معتبر دارالخلافه به دست صنیع‌الملک در روزنامه رسمی ایران خبر داده است. بعدتر نیز به تأسیس روزنامه مصور شرف توسط شخص خودش در جهت ادامه فعالیت‌های صنیع‌الملک اشاره کرده است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲ الف: ۱۴۶ و ۲۸۴)

«افتتاح مکتب نقاشی به صورت مجانی» توسط صنیع‌الملک رخداد دیگری است که اعتمادالسلطنه ذیل فهرست مآثر معنوی و ترقیات عصر ناصری یادآور شده است. همچنان‌که تحت عنوان «افتتاح تئاتر یا تماشاخانه» آغاز این رویداد مهم در عرصه هنرهای نمایشی ایران را ذکر نموده و ضمن اشاره به عدم رواج آن در میان عموم، این فعالیت نوظهور را در اختیار خواص دانسته است (همان: ۱۶۰ و ۱۶۳)؛ یا با اشاره به احداث «تکیه دولت به شکلی بدیع» و ذکر کاربرد این بنا، از پیدایش مکانی رسمی برای برگزاری تفریح به عنوان هنری مردمی سخن گفته است. او نحوه اجرای این مراسم را در دهه محرم بیان کرده، تماشاچیان را معرفی و شیوه آماده‌سازی و تزئین مکان را شرح داده است؛ مضاف بر اینکه بعدتر نیز خاستگاه پیدایش این مراسم از دوران دیالمه و ترویج آن به طور خاص در دوران صفوی را ذکر نموده است. (همان: ۸۷-۸۸ و ۱۳۴)

اعتمادالسلطنه ضمن اشاره به ریخته شدن مجسمه پیکر ناصرالدین شاه به حالت سواره، نصب آن و برپایی جشنی شگفت به همین مناسبت، در رابطه با هنر مجسمه‌سازی با فلز، ریختگری یا چنان‌که خود بیان نموده «صنعت ریختن مجسمات»، مدعی شده که «معلوم نیست که هیچ وقتی از اوقات در ایران بوده است» و در این دوران به واسطه ترقی کلیه صنایع دولتی و نیز فعالیت کارخانجات ساخت مهمات جنگی، این هنر هم پیشرفت کرده است (همان: ۱۴۶). این در حالی است که به باور صاحب‌نظران، پیشینه فلزکاری در ایران باستان به اواخر هزاره هفتم پیش از میلاد یا دوران نوسنگی بازمی‌گردد. همچنان‌که تولید اشیا مفرغی در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد یا عصر کلاسیک امپراطوری ایلام به اوج خود رسیده بود. از دوران

پارتیان (۲۵۰ پ.م تا ۲۲۴ م) نیز مجسمه مفرغی عظیمی از یک شاهزاده پارتی با سر قالبی مجزا در شمی واقع در کوه‌های بختیاری کشف شده و اکنون در موزه ایران باستان در تهران نگهداری می‌شود (گیرشمن و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۷، ۱۴۹ و ۱۵۱). لذا، این ادعای او مبنی بر آغاز این هنر در عصر ناصری و بهره‌گیری از آن در جهت اقامه دلیلی مبنی بر مترقی و متمدن شدن ایران از این دوران، صحیح نیست.

احداث مدرسه دارالفنون با ذکر سال شروع و اتمام ساخت به همراه شرح مراسم افتتاحیه و مکان آن<sup>۵۵</sup> (اعتمادالسلطنه، همان: ۱۵۱-۱۵۲) رخداد حائز اهمیتی در حوزه معارف و هنرهاست که اعتمادالسلطنه در این کتاب به آن پرداخته است. همچنان‌که به تأسیس مجمع‌الصنایع و وجود نقاشی‌های بسیار اعلی در آنجا در کنار تفنگ‌سازی و دیگر صنایع اشاره کرده است (همان: ۹۱-۹۳). او از شکل‌گیری شهر جدید «دارالخلافة ناصری» با حفر خندق و تخطیط<sup>۶۵</sup> شهر عتیق تهران نیز سخن گفته است؛ در این رابطه شرایطی که موجب تأسیس شهر جدید گردیده از جمله ازدیاد جمعیت را بیان کرده و مأموران و مشارکت‌کنندگان در این امر را معرفی نموده است. سپس مراسم کنلگ‌زنی را با ذکر تاریخ دقیق و نام‌گذاری شهر به «دارالخلافة ناصره» شرح داده است. (همان: ۱۰۴)

جلب شدن توجه حکومت ناصری به مناطق باستانی از جمله «شوش، استخر و اکباتان» و حفاری‌های صورت گرفته در این نواحی، در زمره رویدادهای مرتبط با تاریخ هنر و باستان‌شناسی است که در این کتاب آورده شده است. چنان‌که اعتمادالسلطنه ذکر نموده که تا پیش از این دوران، حفاری برای همه افراد در مناطق مذکور امکان‌پذیر بوده و در صورت یافت شدن اشیای تاریخی، منعی برای تملکشان توسط این اشخاص از سوی دولت وجود نداشته است. در صورتی که از این دوران به بعد، انجام هرگونه حفاری توسط افراد داخلی یا خارجی صرفاً با اجازه مخصوص حکومت میسر بوده است (همان: ۱۴۰). این نقل اعتمادالسلطنه

می‌تواند پیش‌درآمدی بر آگاهی شاه و درباریان نسبت به ارزشمندی اشیای باستانی ایران و پیدایش نوعی درک از ضرورت حفظ این آثار تلقی شود.

### ۶-۳- استخراج اطلاعات مرتبط با تاریخ هنر از ابنیه و تزئینات معماری

اعتمادالسلطنه در باب هفتم حین توصیف «باغ عشرت‌آباد» متذکر شده که احداث این بنا با خود او بوده است. همچنین، اشعار محمدحسین فروغی که در کتیبه دیوار این قصر منقوش شده را عیناً آورده است<sup>۷۵</sup>. او اشاره کرده که شاعر از ابتدا قصدش مدح و نه «نظم تاریخ» بوده و بعد از ارائه شعر، مأمور به «الحاق تاریخ» به آن شده است. در مورد «باغ سلطنت‌آباد» واقع در جلگه شمیران نیز ضمن بیان دلیل شاه برای احداث آنجا، ثبت نام پدرش در کتیبه کلاه فرنگی این مکان، اهتمام او در انجام این امر به همراه نگارش تاریخ اتمام ساخت را به نظم شرح داده است. همچنان‌که در رابطه با شکل‌گیری دارالخلافة جدید و تخطیط شهر عتیق تهران، که پیش‌تر ذکر آن رفت، هم میرزا محرم، شاعر دارالفنون، تاریخ شروع را در بیتی ثبت کرده<sup>۸۵</sup> و اعتمادالسلطنه نحوه محاسبه آن را بر اساس واژگان بیت مورد نظر توضیح داده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲ الف: ۸۵، ۸۷ و ۱۰۴-۱۰۵). در واقع، او با بیان این مطالب، بر رایج بودن سنت ثبت تاریخ احداث بنا در قالب نظم بر کتیبه‌های ابنیه تأکید ورزیده و حتی به گونه‌ای تلویحی، بر اهمیت انجام آن صحنه گذاشته است.

### ۶-۴- مقایسه هنرمندان با یکدیگر

اعتمادالسلطنه در بخش‌های مختلف کتاب، ضمن ارائه شرح حال هنرمندان، خوشنویسان و فضلا یا حین اشاره به آثار خلق‌شده در عصر ناصری از مقایسه و تشبیه نقاشان و خطاطان به بزرگان این هنرها در ایران یا غرب استفاده کرده است. چنان‌که در مورد نقاشی دیواری «عمارت نظامیه» اثر صنیع‌الملک، ذکر کرده که «روح رافائل این نقاشی را گرامی می‌دارد» (همان:

۱۱۹). همچنین، میزان تبحر محمود خان ملک الشعرا را در زمینه خوشنویسی و نقاشی چنان دانسته است که «خوشنویسانی چون عبدالمجید، خواجه اختیار و میرعماد و نیز نقاشی مثل رافائل به همکاری با او افتخار می‌کنند» (همان: ۲۶۵)؛ یا در توصیف مهارت میرزا محمود ارموی در موسیقی، او را فارابی دوران برشمرده است (همان: ۲۹۶). او در مواردی ضمن استفاده از تشبیه به هنرمندان صاحب‌نام، قیمت آثار خلق‌شده در زمان حیات هنرمند را نیز در جهت تأیید مقبولیت هنری او آورده است. چنان‌که در رابطه با ابوالحسن نقاش‌باشی افشار ارموی حین اشاره به مهارت او در «صنعت نقاشی، گل‌ویوته‌سازی و رنگ‌آمیزی» و عدم وجود تمایز میان قلمدان‌ها و جلدهای ساخت او و علی اشرف مگر به شرط رؤیت امضا، قیمت خرید و فروش قلمدان‌های او را در زمان حیاتش تا ۵۰ تومان ذکر کرده است. (همانجا)

## ۶-۵- نکاتی که اعتمادالسلطنه به آنها نپرداخته است

اعتمادالسلطنه در توصیف ابنیه و عمارات علی‌رغم توجه به ویژگی‌های معماری و تزئینات، در مواردی نیز غفلت نموده است. چنان‌که در رابطه با «باغ شاه» از درختان و فضای سبز سخن گفته و حتی تعداد دقیق فواره‌ها و میزان آب جاری در این مکان را ذکر نموده است (همان: ۸۵)، اما توضیحی در باب نحوه طراحی فضای سبز این باغ و یا اجزای کوشک‌ها و ابنیه آن نیاورده و صرفاً به ذکر «ساخته شدن چندین کوشک عالی و ابنیه معتبر در این باغ» بسنده نموده است. همچنین، در شرح مدارس ساخته‌شده در عصر ناصری، فقط به ذکر نام مدرسه، نام بانی یا مؤسس و مکان آن اکتفا کرده و تنها در مورد «مدرسه صنایعیه» در دارالخلافه تهران به نام معمار، حاج ابوالحسن اصفهانی، اشاره کرده است (همان: ۱۱۷ و ۱۱۸). اما در رابطه با کیفیات معماری، تزئینات و حتی تاریخ شروع یا اتمام ساخت مدرسه‌ها سخنی به میان نیاورده است؛ مضاف بر اینکه فقط مدارس واقع در

دارالخلافه را در نظر گرفته است.

همچنین، در رابطه با حجاری نقش ناصرالدین شاه با عنوان «صورت همایون» که بر دروازه‌ای سنگی در کوه در راه هزارچم است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲الف: ۱۰۵)، اعتمادالسلطنه ضمن اشاره به شوسه‌سازی در دوران ناصری، فقط به ذکر خلق این اثر بر «سنگ خارا» و تاریخ دقیق دیده شدن آن<sup>۱۵</sup> توسط شاه پرداخته و توضیحی در مورد جزئیات بصری آن نداده است. همین‌طور در رابطه با «نقاشی صورت صف سلام» (همان: ۱۱۲) اثر عبدالله خان در عمارات دیوانی قم، صرفاً تاریخ تعمیر ابنیه و اصلاح این نقاشی دیواری را ذکر کرده و اشاره‌ای به نام هنرمند خالق یا کیفیات بصری آن ننموده است؛ یا در مورد نقاشی دیواری «عمارت نظامیه» اثر صنیع‌الملک، ضمن شرح درباره این بنا از آن با عنوان «صورت مجلس سلام» نام برده (همان: ۱۱۹)، اما توصیفی از اثر و خصوصیات تصویری آن نیاورده است.

## ۷- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر در پاسخ به پرسش اصلی که شیوه‌های تاریخ‌نگاری هنر نزد اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار کدام‌اند، مصادیق موجود در متن ذیل سه بخش «مفاهیم و اصطلاحات»، «رویکرد به آثار» و «روش‌شناسی» مطالعه شده است. مفاهیم و اصطلاحات استفاده‌شده در این کتاب در دو دسته‌بندی بنیادی و تخصصی، مشتمل بر واژگان مرتبط با تاریخ و تاریخ‌نگاری و تلقی اعتمادالسلطنه از واژه «صنعت» همچنین اصطلاحات خاص هنرها در شاخه‌های «نقاشی، عکاسی و خوشنویسی»، «معماری، تذهیب و کاشی‌کاری»، «موسیقی» و «منسوجات و فرش» بررسی شده است. در بخش رویکرد اعتمادالسلطنه به آثار، ارجاعات موجود در متن به تفکیک در نحوه مواجهه‌اش با بنا، چگونگی توصیف ابنیه و عمارات از منظر او و نیز نوع نگاهش به اشیا تاریخی و آثار باستانی ارزیابی شده است. روش‌شناسی اعتمادالسلطنه هم در نگارش کتاب، تحت عناوین توجه به مشاغل هنری و

غیرهنری، ذکر رویدادهای تاریخی مربوط به هنرها، استخراج اطلاعات مرتبط با تاریخ هنر از ابنیه و تزئینات معماری و مقایسه هنرمندان با یکدیگر شکل گرفته است. اشاره به مواردی که از نظر او دور مانده و عامدانه یا غیر عامدانه مورد غفلت قرار گرفته، پایان بخش مبحث روش‌شناسی اوست.

چنان‌که از مطالعه شیوه‌های تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار برمی‌آید، نگارش تاریخ از منظر او منحصر به گزارش وقایع و رویدادهای گذشته یا مدح پادشاهان و تمجید از بزرگان نبوده است، بلکه او آگاهانه سعی نموده تا با اتکا به منابع مکتوب معتبر، به‌کارگیری شیوه‌های علمی همچون ارسال پرسش‌نامه به ولایات و بهره‌گیری از آثار عینی مانند مسکوکات قدیمی، به تصحیح روش‌های سنتی تاریخ‌نگاری ایران در حد بضاعت خود بپردازد. همچنین، با مقایسه المآثر و الآثار با تألیفات متقدم اعتمادالسلطنه می‌توان اذعان نمود که دیدگاه تاریخ‌مند او نسبت به هنرها یا به تعبیری همان آگاهی تاریخی‌اش از هنر به تدریج شکل گرفته و در طول زمان تکامل یافته است؛ چراکه اعتمادالسلطنه با توجه به علاقه‌مندی‌اش به تحقیق و تفحص در رابطه با ابنیه باستانی و آثار تاریخی و هنری ایران، همچنین آشنایی‌اش با معارف نوظهور باستان‌شناسی و سکه‌شناسی، در این کتاب با حساسیت بیشتری به ثبت و ضبط اطلاعات مرتبط با آثار باستانی، هنری، معماری و تزئینات وابسته، همچنین ذکر اهم رویدادهای تاریخی مؤثر در جریان هنرها و معرفی هنرمندان و آثار آنها پرداخته است. او در رابطه با انواع هنرها از واژگانی متنوع مشتمل بر «صنایع مستظرفه»، «اعمال ید»، «صنایع عالیه» و حتی خود «هنر» استفاده نموده است. اگرچه در این کتاب تعریف مشخصی از هر یک از این دسته‌بندی‌ها ارائه نداده و حتی تمایز آنها را با یکدیگر مشخص نکرده است، اما کاربرد این عبارات غیر همگون، که برخی همانند «اعمال ید» معنا را در خود مستتر دارد، حاکی از وجود تعبیر متنوع در رابطه با هنرها در عصر ناصری است که اعتمادالسلطنه

نیز در مقام یک مورخ پیشرو با آن آشنایی داشته و در خلال متن ذکر کرده است. همچنین، نوع مواجهه او با بنا، تزئینات معماری و نیز اشیا تاریخی و آثار باستانی نشان‌دهنده شناختش از اهمیت و ضرورت حفظ آثار باستانی در جهت حراست از گذشته تاریخی ایران و آگاهی‌اش از میزان ارزش آنها نه تنها به لحاظ مادی بلکه از نظر معنوی و در طی دوران تاریخ است. او نقش اشیا باستانی و تاریخی که در موزه‌ها نگهداری می‌شوند، در نمایش میزان ترقی مردمان گذشته تا به امروز و فراهم نمودن امکان مقایسه نسل‌ها و دوران مختلف به لحاظ پیشرفت بر اساس همین اشیا را در کتاب یادآور شده است. چنان‌که در اثر دیگرش مطلع الشمس، به اشیا باستانی همچون مسکوکات قدیمی به عنوان مدارکی معتبر در جهت مشخص نمودن صحت و سقم برخی از ادعاهای تاریخی در متون مکتوب استناد نموده است.

باید در نظر داشت که اعتمادالسلطنه به لحاظ نزدیکی به مرکز قدرت و شخص ناصرالدین شاه، عامدانه در شرح برخی از رویدادها تا حدی اغراق نموده و سعی در برجسته جلوه دادن خدمات حکومت ناصری داشته است. این امر فارغ از بُعد منفی نگاه غیر بی‌طرفانه او در مقام یک مورخ، موجب شده تا به ذکر شواهدی متعدد و متنوع بر ترقی و پیشرفت ایران در عصر ناصری نسبت به دوران پیشین بپردازد. او به برخی از رویدادها و آثار تاریخی و هنری توجه نموده که از نگاه دیگر معاصرینش دور مانده است. لذا تألیفات او و نیز المآثر و الآثار در قیاس با دیگر متون تاریخی و جغرافیایی عصر ناصری، از مصادیق متعددتر، حائز اهمیت‌تر و با جزئیات دقیق‌تری در زمینه مطالعات تاریخ هنر و تاریخ‌نگاری هنر ایران در این دوران برخوردار است که ضرورت مطالعه و بررسی بیشتر آنها را در پژوهش‌های آتی ایجاب می‌نماید.

## پی‌نوشت‌ها

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «آگاهی تاریخی از هنر در متون تاریخی و جغرافیایی عصر ناصری» است که

به راهنمایی نگارنده دوم در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در دانشگاه هنر تهران در حال انجام است.

۲. *Historiography*: تاریخ‌نگاری به معنای نگارش تاریخ است که از سه جنبه توصیفی، تاریخی و تحلیلی قابل مطالعه و بررسی است. (استنفورد، ۱۳۹۳: ۱۵)

۳. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه فرزند حاجی علی خان حاجب‌الدوله و نوه حسین خان مقدم مراغه‌ای است. او در ۲۱ شعبان ۱۲۵۶ق به دنیا آمد و در ۱۹ شوال ۱۳۱۳ق، کمتر از یک ماه پیش از قتل ناصرالدین شاه از دنیا رفت.

۴. جمع «مأثره» و در لغت به معنای کارهای پسندیده و آثار نیکویی است که از کسی به جای می‌ماند.

۵. اعتمادالسلطنه رسم تهیه سالنامه مملکتی را در دوران ریاست خود در اداره انطباعات بنیان نهاد و اولین سالنامه را در سال ۱۲۹۲ق به طبع رساند. او در پایان هر یک از کتاب‌هایی که چاپ می‌کرد، سالنامه تشکیلات حکومتی مربوط به همان سال را نیز ضمیمه می‌نمود. او و کارکنانش جهت تنظیم این سالنامه‌ها، هر ساله از دوائر دولتی اسامی افراد را با ذکر مناصب آنها درخواست می‌کردند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲الف: ۹)

۶. به باور صاحب‌نظران، اعتمادالسلطنه جهت تألیف مرآةالبلدان از سؤال‌نامه استفاده نموده است. چنان‌که کتابچه‌ها و اوراق دریافتی از ولایات، در ده جلد موجود است. (همان: ۷)

۷. این مقاله در شماره سوم از دوره ۲۷ نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی مورخ آذرماه ۱۴۰۱ منتشر شده است.

۸. آگاهی تاریخی از منظر یورن راسن ( *Jörn Rüsen*، فیلسوف تاریخ عبارت است از: «ایجاد حسی از گذشته، زمانی که گذشته به منظور فهم حال و پیش‌بینی آینده تفسیر می‌شود»؛ همچنان‌که به باور راسن «هر شکلی از تفکر درباره گذشته، از مطالعات تاریخی تا کاربرد و عملکرد تاریخ در زندگی شخصی و عمومی ذیل مفهوم آگاهی تاریخی قرار می‌گیرد». (Clark and Peck, 2019: 2-3)

۹. این مجموعه در دو بخش دربرگیرنده وقایع ۲۹ جمادی‌الاولی سال ۱۲۹۲ تا ۱۹ محرم ۱۲۹۳ و نیز یادداشت‌های مربوط به ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸ تا ۱۴ شوال ۱۳۱۳ (پنج روز پیش از فوت اعتمادالسلطنه) بوده که از اسناد تاریخی ارزشمند عصر ناصری به شمار می‌رود؛ چراکه وقایع و اخبار آن سال‌های سلطنت ناصرالدین شاه و اوضاع اجتماعی و فرهنگی مردمان آن دوران را منعکس می‌نماید. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: شش)

۱۰. بیدار کردن، آگاه ساختن (عمید، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۷۷)

۱۱. منظور ظهور عصر روشنگری و تحولات علوم، معارف و دیدگاه انسان در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی در غرب و مصادف بودن آن با دوره ناصری است.

۱۲. برانگیختن، بیدار کردن (همان: ۳۶۱)

13. Fine Arts

14. Perspective

15. Naturalist

۱۶. پسندیده، مطلوب (همان: ج ۲، ۱۰۲۷)

۱۷. برگزیده (همان: ۱۵۰۳)

۱۸. برافراشته، بلند، محکم و استوار (همان: ۱۸۱۳)

۱۹. جمع «جوسق» که معرب کوشک به معنای قصر و کاخ است. (همان: ج ۱، ۷۱۲)

۲۰. این واژه در متن اصلی واضح نیست.

۲۱. آوازه‌ها و سرودها، جمع اغنیه (همان: ۱۹۲)

۲۲. خمیر کردن، سرشتن (همان: ۵۵۲)

۲۳. بی‌حس کردن، سست کردن (همان: ۵۵۰)

۲۴. گرانبها، قیمتی (همان: ۶۶۰)

۲۵. واژه «ستبرق» یا «استبرق» معرب «استبرک» به معنای پارچه زری یا پارچه‌ای است که از ابریشم و زر بافته شود. (همان: ۱۳۵)

۲۶. «مستحدث» به معنای تازه به‌وجود آمده و نو پیدا شده است. (همان: ج ۲، ۱۷۹۹)

۲۷. کاخ باشکوهی که به دستور نعمان یکم و توسط سنمار، معمار شهیر ایرانی، برای بهرام‌گور در نزدیکی حیره در بین‌النهرین ساخته شده بود. روایت ساخت این کاخ در هنر و ادبیات ایران بااهمیت است، چنان‌که نظامی در خستمه خود به آن اشاره کرده و کمال‌الدین بهزاد نگارگر مکتب هرات نیز آن را در نگاره‌ای از خستمه به تصویر درآورده است.

28. Parc

۲۹. بنای عتیق اصل ساختن مربوط به دوران فتحعلی شاه بوده و در دوران محمد شاه تغییری نکرده است. اما به گفته اعتمادالسلطنه (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲الف: ۸۶)

۳۰. «تأنق» به معنای تتبع کردن یا در کار خود ریزه‌کاری کردن (عمید، همان: ج ۱، ۵۲۲) و «تزییق» به معنای آراستن است.

۳۱. ساخته شده، مصنوع (همان: ج ۲، ۱۳۷۱)

۳۲. معنای دیگر آن، مرد حاذق و ماهر در کار و هنر خود است (همان).

۳۳. آفریدن و پدید آوردن (همان: ج ۱، ۲۴۹)

۳۴. جمع «دار» به معنای خانه و مسکن (همان: ۹۸۷)

۳۵. جمع «علق» به معنای هر چیز خوب و گرانبمایه (همان: ج ۲، ۱۴۴۹)

۳۶. به زعم اعتمادالسلطنه اگر قیمت این اشیا در آن زمان مشخص می‌شد، «متجاوز از چهل کرور تومان» می‌بود. (اعتمادالسلطنه، همان: ۸۷)

۳۷. چنان‌که اعتمادالسلطنه مدعی است که «از غریب آثار عتیقه و مفردات اعلاق نفیسه و بدایع اشیا یتیمه از هر جنس و هر قبیل چون مقداری لایق در محل واحد جمع و وضع شود آن را در ممالک اروپا موزه می‌نامند». (همان: ۱۳۵)

### 38. Numismatique

۳۹. Antique؛ اعتمادالسلطنه در متن کتاب از واژه «انیتق» استفاده کرده است. (همان: ۲۶۶)

۴۰. اعتمادالسلطنه از عبارت «ریاست ادارات و باشیگری مشاغل و خدمات» استفاده کرده که منظور او از باشیگری همان معماریاشی، نقاش‌باشی، عکاس‌باشی و دیگر صاحبان صنایع بوده است. (همان: ۳۹)

۴۱. در سال ۱۲۹۸ق علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه از دنیا رفت و ریاست دارالفنون به مخبرالدوله واگذار گردید.

۴۲. این اداره مسئول دریافت هر آنچه به شاه داده می‌شد و نیز پرداخت انعام‌هایی که شاه دستور آنها را می‌داد، بوده است.

۴۳. در گذشته منظور از قرن، سی سال بوده است. در اینجا مقصود اعتمادالسلطنه، از آغاز سی و یکمین سال سلطنت ناصرالدین شاه بوده است.

۴۴. اثر محمدتقی لسان‌الملک سپهر کاشانی در سه مجلد، که به تاریخ عصر قاجاریه تا دهه اول حکومت ناصرالدین شاه پرداخته و مشتمل بر مطالب مختلف و متنوعی پیرامون تحولات داخلی و روابط خارجی ایران در آن دوران است.

۴۵. مشتمل بر سه مجلد است که توسط رضاقلی خان هدایت در عصر قاجار، به مجموعه هفت جلدی روضه‌الصفای خواندمیر و نوه‌اش غیاث‌الدین، اضافه گردید. هدایت این مجلدات را به ناصرالدین شاه منسوب نمود، که مشتمل بر تاریخ صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه تا زمان ناصرالدین شاه بوده است.

۴۶. این اثر بر طبق حروف الفبا حاوی اطلاعات شهرها و روستاهای ایران مشتمل بر جمعیت، نوع معیشت، شرح حال علما، فضلا، و توصیف ابنیه و آثار هنری است. این مجموعه به پایان نرسید و تنها چهار جلد از آن کامل شد. جلد اول و چهارم درباره جغرافیا و جلد دوم و سوم شرح سلطنت ناصرالدین شاه از جلوس او در سال ۱۲۶۴ق تا سی‌امین سال پادشاهی‌اش، یعنی ۱۲۹۴ق، هست. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ج ۱، سی‌ویک)

۴۷. این مجموعه در سه مجلد، به تاریخ ایران، عالم اسلام و جهان

از ابتدای هجرت تا سال ۱۳۰۰ق پرداخته است. جلد اول شامل وقایع هجرت تا سال ۶۵۶ق مصادف با انقراض خلافت عباسیان، و جلد دوم دربرگیرنده دوران پس از آن تا سال ۱۱۹۳ق و مرگ کریم‌خان زند است. جلد سوم به عصر قاجار و سلطنت ناصرالدین شاه تا سال ۱۳۰۰ق اختصاص دارد. (همان، ۱۳۶۳: ج ۱، ۷ و ۱۹)

۴۸. علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه به دستور ناصرالدین شاه، بانی تألیف و انتشار این دایرةالمعارف الفبایی در شرح احوال و بیان آثار مشاهیر علم و ادب جهان اسلام شد. مؤلفان این اثر شمس‌العلماء شیخ‌محمد مهدی عبد رب‌آبادی، میرزا ابوالفضل ساوجی، ملا عبدالوهاب قزوینی معروف به ملاآقا و میرزا حسن طالقانی بوده‌اند.

۴۹. عقداللثالی فی نقدالمعالی که به تاریخ مفصل خاندان قاجار پرداخته است.

۵۰. این کتاب با عنوان خوراک‌های ایرانی در سال ۱۳۸۶ش به کوشش احمد مجاهد و توسط انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. (قاجار، ۱۳۹۸: ۳۷)

۵۱. منظور همان فارسی سره است که در آن دوران مؤلفان و اهل قلم سعی می‌کردند تا در متون خود از واژگان غیر فارسی مثل عربی یا لاتین استفاده نکنند.

۵۲. اعتمادالسلطنه در اینجا، اشاره‌ای به کتاب تأثیرگذار نادر میرزا با عنوان تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز از مهم‌ترین آثار تاریخ محلی دوران قاجار و عصر ناصری نکرده است. با اینکه او مجموعه مطلع‌الشمس را تقریباً هم‌زمان با این کتاب و در زائر تاریخ محلی در رابطه با خراسان در سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ق به طبع رسانده است، تاریخ دقیق اتمام تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز مشخص نیست و منابع معتبر از تدوین نهایی آن در سال ۱۲۹۹ق و مرتب و مدون شدنش به صورت کتاب در ۱۳۰۰ق خبر داده‌اند. همچنین، در سال‌های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ق، نادر میرزا تجدید نظری بر این کتاب نموده و مطالبی را اضافه کرده است. (چلونگر و حسینی، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۱)

۵۳. منظور اعتمادالسلطنه همان خط نستعلیق است که از دو خط نسخ و تعلیق پدید آمده است.

۵۴. اعتمادالسلطنه در شرح احوال میرزا سنگلاخ خراسانی، به نگارش تذکرةالخطاطین توسط او و چاپش در تبریز اشاره کرده است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲الف: ۲۹۲)

۵۵. روز افتتاحیه موزخ یکشنبه پنجم ربیع‌الاول سال ۱۲۶۸ق و مکان آن ارگ محروسه تهران بوده است. (همان: ۱۵۲)

۵۶. خط کشیدن (عمید، همان: ج ۱، ۵۵۰)

۵۷. «شاخ نشاط کی گشت تاریخ غرس خسرو کی خسرو نشاندی شاخ امیدواری

سعی صنیع دولت امر خدیو اعظم

بخشیده این بنا را آذین استواری» (اعتمادالسلطنه، همان: ۸۵)

منظور شاعر از «صنیع دولت» شخص اعتمادالسلطنه ملقب به صنیع‌الدوله بوده که احداث این بنا را به واسطه این شعر به او نسبت داده و در کتیبه آن نیز ثبت کرده است.

۵۸. «طبع محرم با دل شاد از بی تاریخ گفت جاودان با فریزدان باد شهر ناصری» (همان: ۱۰۴)

۵۹. بیست و دوم ربیع‌الثانی سال ۱۲۸۵ ق (همان: ۱۰۵)

## کتابنامه

استنفورد، مایکل (۱۳۹۳). درآمدی بر تاریخ پژوهی. ترجمه مسعود صادقی (چاپ هفتم). تهران: انتشارات سمت.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۰). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. تصحیح ایرج افشار (چاپ دوم). تهران: انتشارات امیرکبیر.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۲ الف). چهل سال تاریخ ایران؛ در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، جلد اول: المآثر و الآثار. تصحیح ایرج افشار. تهران: انتشارات اساطیر.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۲ ب). مطلع الشمس. تصحیح محمد پیمان (جلد ۱-۳). چاپ اول. تهران: انتشارات پیشگام.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). مرآةالبلدان. تصحیح عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث (جلد ۱). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). مرآةالبلدان. تصحیح عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث (جلد ۲ و ۳). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

چلونگر، محمدعلی؛ حسینی، سجاد (۱۳۹۲). تاریخ‌نگاری نادر میرزا قاجار. پژوهش‌های تاریخی، ۳ (۱۹)، ۱۷-۴۰.

عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ عمید (جلد ۱ و ۲). چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

قاجار، نادر میرزا (۱۳۹۸). تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد (چاپ دوم). تبریز: انتشارات آیدین و یانار.

گیرشمن، رمان؛ یانگ، کایلر؛ بیوار؛ آمیه، پی‌یر (۱۳۹۶). ایران باستان؛ پیشاتاریخ، عیلامیان، هخامنشیان، سلوکیان، پارتیان، ساسانیان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند (چاپ پنجم). تهران: انتشارات مولی.

Clark, Anna; Peck, Carla L. (2019). *Contemplating Historical Consciousness: Notes from the Field*. Berghahn Books.